

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش شصت و چهارم

۲۱ دسمبر ۲۰۱۴

تشدید مبارزه طبقاتی

امر تعمیق انقلاب به مقاومت شدید دشمنان طبقاتی برخورد. امپریالیست ها و ارتجاع داخلی، با وجود شکست هائی که در البانی بر آنها وارد آمده بود، نه با وجود قدرت توده ئی و نه با تحولات انقلابی اقتصادی و اجتماعی نمی توانستند سرسازگاری داشته باشند. دول امریکا و انگلستان که به هدف های خویش در موقع انتخابات مجلس مؤسسان نائل نیامده بودند، نقشه جدیدی حاکی از یک سلسله اقدامات به ضد جمهوری توده ئی البانی طرح کردند که بر اساس هماهنگی کامل فعالیت های ضد انقلابی در داخل و خارج کشور قرار داشت. منظور از این نقشه آن بود که کلیه بقایای نیرو های ارتجاعی داخلی را دو باره گرد آورند و سازمان دهند و آنها را به قصد ایجاد موقعیت تشنج آمیز در کشور به کار اندازند. موقعیت مذکور می بایست موجب روی دادن حوادثی شود تا به بهانه آنها امپریالیست ها از خارج با اسلحه مداخله کنند و برای مداخله خویش در برابر افکار عمومی بین المللی محملی داشته باشند.

پس تبلیغات امپریالیستی به نبرد پر جوش و خروش به ضد رژیم دموکراسی توده ئی دست زد و خلق البانی را به قیام علیه وی دعوت کرد. مراکز جاسوسی امریکا و انگلستان، فاشیست ها، هواداران زوغو و بالیست ها را که به خارج گریخته بودند در اردوگاه های خاص در یونان و ایتالیا گرد آوردند، با شیوه ای متشکل به آنها عملیات جنگی و خرابکاری تعلیم دادند و آنها را برای حمله ای که می بایست در آینده نزدیک مشترکاً از خارج و داخل علیه «کمونیست ها» صورت گیرد آماده ساختند. کشتی های جنگی انگلستان به طور نمایان در آب های ساحلی جمهوری توده ئی البانی آمد و شد می کردند و گاهی به سمت ساحل البانی توپ می انداختند.

در این اثناء هیأت های نظامی امریکا و انگلستان، ارتجاع داخلی را به جنبش در آوردند. آنها آن عده از مرتجعان را که در دسامبر ۱۹۴۵ به عنوان نماینده انتخاب شده بودند در گروه خاصی متشکل ساختند. نمایندگان مذکور صریحاً علیه تحولات سوسیالیستی سخن می گفتند و می کوشیدند که در برابر تصویب و اجرای قوانین همه گونه مانع بتراشند.

جاسوسی امپریالیست ها به آنان وظیفه داده بود که کلیه بقایای ارتجاع را در داخل کشور گرد آورند و رهبری حمله ای را که علیه قدرت توده ئی تدارک دیده شده بود به عهده گیرند. همچنین جاسوسی امپریالیست ها این نمایندگان خائن را با رؤسای «بالی» و «لگالیتی» که در خارج بودند در ارتباط گذاشته بود.

هیأت امریکائی به ویژه بر عهده گرفته بود که اقتصاد کشور را با عملیات خرابکاری در مؤسسات عمده بخش های ساختمان و تولید مختل گرداند. گروه های خرابکار مرکب از کارشناسان بورژوائی که خود را به خارج فروخته بودند تحت رهبری هیأت مذکور مالیک (که در آنجا کار های عظیم خشکاندن مرداب در جریان بود)، در ساختمان پل ها، در بنگاه نفت کوچوه، در معادن مس روییک و سایر نقاط عمل می کردند.

در سپتمبر ۱۹۴۶ دار و دسته های ضد انقلابی به حمله مسلحانه بر شهر اشکودرا دست زدند و این دستبرد در نظر طراحانش می بایست به بهانه مداخله نظامی از خارج باشد. ولی حساب دشمن غلط در آمد زیرا که دار و دسته های ارتجاعی در همان روز نابود شدند. دو ماه بعد امپریالیست ها فتنه ای علیه البانی سازمان دادند که جنبه بین المللی داشت. در موقعی که جهازات جنگی انگلستان، آشکارا به قصد فتنه انگیزی، در طول ساحل البانی حرکت می کردند دو فروند از آنها در ترعه کرفور به مین بر خوردند و صدمه دیدند. به طوری که بعداً معلوم شد، خود فرماندهی انگلستان عمداً این حادثه را ساخته و پرداخته بود. ولی دولت های انگلستان و امریکا دولت دموکراتیک البانی را متهم ساختند که در ترعه کرفو مین گذاری کرده است، تا پیاده شدن احتمالی سپاهیان خویش را در البانی با استفاده از این حادثه در برابر افکار عمومی توجیه کنند. ضمناً دولت سلطنت طلب و فاشیست یونان تحریکات زمینی و هوایی خود را در مرز های جمهوری توده ئی البانی افزایش داد.

تشدید سیاسی امپریالیست ها و ارتجاع داخلی، خطری را که متوجه انقلاب توده ئی در البانی بود افزایش می داد. ولی حزب کمونیست البانی و توده های زحمتکش در مبارزه با دشمنان طبقاتی داخل و خارج تجربه اندوخته بودند. حزب کمونیست ها و زحمتکشان را چنان پرورش داده بود که همیشه به حالت آژیر و آماده مقابله با هرگونه خطر باشند. «گروه نمایندگان» و سایر دشمنان در داخل کشور هیچ گونه تکیه گاهی در نزد توده ها نیافتند. عملیات تروریستی و خرابکارانه عناصر ارتجاعی و همچنین فتنه انگیزی ترعه کرفو کینه خلق البانی را نسبت به خائنان و امپریالیست های امریکائی و انگلیس تیزتر کرد و آمادگی حزب، حکومت توده ئی، نیرو های مسلح و کلیه زحمتکشان را در کلیه زمینه ها در دفاع از رژیم دموکراسی توده ئی، از استقلال ملی و تمامیت ارضی جمهوری توده ئی البانی بیشتر ساخت. زحمتکشان شهر و ده به معیت ارگان های امنیت دولتی و واحد های ارتش مجدانه در پیگرد و نابود ساختن دشمن شرکت جستند. خائنان و خرابکاران به پیشگاه دادگاه های توده ئی کشانده شدند، تبهکاری های خویش را شرح دادند و به کیفر شایسته رسیدند. آنها ناچار شدند که نقشه دولت های امریکا و انگلستان را به ضد جمهوری توده ئی البانی کاملاً فاش گردانند و علناً به خیانت خود اعتراف کردند.

امپریالیست ها به هدفی که در فتنه انگیزی ترکه کرفو داشتند نیز نائل نیامدند و با آن که سازمان های بین المللی و من جمله دیوان داوری لاهه را که آلت مطیع شان بودند به تکاپو در آوردند نتوانستند افکار بین المللی را به تقصیر البانی در حادثه کرفو قانع گردانند. دولت دموکراتیک جمهوری توده ئی البانی در پیشگاه جهانیان ثابت کرد که هیچ مسؤولیتی در این حادثه نداشته و این حادثه چیز دیگری جز فتنه انگیزی خصمانه دولت انگلستان علیه جمهوری توده ئی البانی نبوده است. به این مناسبت افکار عمومی مترقی بین المللی متفقاً از حقانیت دولت دموکراتیک البانی دفاع کرد و از توطئه امپریالیست ها که می خواستند مسؤولیت حادثه را بر عهده جمهوری توده ئی البانی بیندازند، پرده برداشت.

اعتقاد خلق البانی به این که امریکا و انگلستان با او، نه مانند متفقین بلکه مانند دشمنان سوگند خورده رفتار می کنند، وقتی استوار تر شد که دولتین مذکور عنودانه کوشیدند تا جای البانی در سازمان ملل متحد که حقاً به او تعلق داشت به وی داده نشود. آنها از حق وتوی خویش در شورای امنیت علیه پذیرش البانی در سازمان ملل متفق استفاده کردند. همچنین امپریالیست های امریکائی و انگلیس تمام امکانات خود را به کار انداختند تا البانی در کنفرانس صلحی که در جولای ۱۹۴۶ در پاریس افتتاح می یافت، شرکت نجوید. ولی موفق نشدند.

هیأت نمایندگی البانی به رهبری رفیق **انور خوجه** به پاریس رفت تا نظریات دولت البانی را در مورد پیمان صلح با ایتالیا بیان دارد. هیأت مذکور خواستار شد که ایتالیا نه فقط آن طور که در طرح پیمان پیشنهاد شده بود به محترم داشتن حق حاکمیت و استقلال دولت البانی بلکه به محترم داشتن تمامیت ارضی وی نیز مجبور باشد، طلا های البانی که به دست المان ها غارت شده است به وی بازگردانده شود و ایتالیا به وی غرامت بپردازد. جمهوری توده ئی البانی به مثابه دولت متفق شناخته گردد. این مطالبات محقانه به واسطه فشار هیأت های نمایندگی انگلستان و امریکا از طرف کنفرانس رد شد ولی در اثر پافشاری دولت دموکراتیک البانی بالاخره در نومبر ۱۹۴۶ به وسیله شورای وزیران امور خارجه دولت های بزرگ متفق مورد قبول قرار گرفت.

نمایندگان انگلستان و امریکا کوشیدند تا کنفرانس صلح را به بررسی مطالبات ارضی یونان از البانی وادارند و کاری کنند که البانی «کشور مغلوب» به شمار آید. ولی روش استوار هیأت نمایندگی البانی این تشبث آنها را نیز با ناکامی روبرو ساخت.

رفیق **انور خوجه** پیش از بازگشت به البانی اظهار داشت:

«من رسماً اعلام می دارم که نه کنفرانس پاریس، نه کنفرانس دول چهارگانه، نه هیچ کنفرانس دیگری نمی تواند در باره مرز های کشور من که یک وجب خاک بیگانه در داخل آنها نیست بحث کند. مرز های ما بحث بردار نیست و هیچ کس جرأت دست زدن به آنها را نخواهد داشت... همه دنیا به خوبی می داند که خلق البانی هیأت نمایندگی خود را به پاریس نفرستاده است تا حساب پس بدهد بلکه فرستاده است تا از کسانی که آنقدر به او صدمه زده اند و او با آنها شددت به آنها تا آخر جنگیده است حساب پس بگیرد.»^۱

پشتیبانی کشور های دوست و به ویژه اتحاد شوروی از جمهوری توده ئی البانی نقش مهمی در نیل وی به کامیابی در عرصه بین المللی داشت.

حزب کمونیست البانی از تجربه ای که طی نخستین سال های پیش از رهائی در مبارزه علیه ارتجاع به دست آورد بسیار چیز ها آموخت. کمونیست ها عملاً ایمان یافتند و توده زحمتکش را نیز به این ایمان رسانیدند که تکامل انقلاب و ساختمان سوسیالیسم نمی تواند صورت گیرد مگر از طریق «مبارزه سرسخت و بی امان علیه دشمن داخلی و امپریالیست ها که آنها را از خارج پشتیبانی می کنند.»^۲

حزب هیچ گاه از پیروزی هائی که توده های خلق تحت رهبری وی به دست می آوردند و از شکست های دشمن سرمست نشد و کمیته مرکزی چنین تعلیم داد: «باید فعالیت دشمن را به طور جدی مورد ارزیابی قرار داد و به این منظور باید هشیاری داشت، هشیاری مداوم و انقلابی»^۳

ادامه دارد...

^۱ - انورخوجه. اظهارات به نمایندگان مطبوعات در پاریس، ۱۶ سپتمبر ۱۹۴۶. «باشکیمی»، ۱۹ سپتمبر ۱۹۴۶
^۲ - رهنمود های کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی، ۱۷ جون ۱۹۴۷. اسناد عمده حزب کار البانی، جلد اول صفحه ۳۶۲
^۳ - همانجا صفحه ۳۶۴